

عاقبت دل بستن به توفان‌های هشتگی

## وداع با سعادتمند؛ پایان عصر خوش خیالی

ایجنت کارکشته‌ای مثل فدریکو پاستورلو ناکام گذاشت، در یک مفهوم خلاصه می‌شود: «خوش خیالی»

سعادتمند با خوشبینی مفرط تصور می‌کرد استراماچونی حاضر است مبلغی معادل جریمه‌ای که از طریق فیفا طلب کرده، بگیرد و یک سال هم اضافه کار کند. این دامی بود که آقای مدیرعامل در آن گرفتار شد.

هر آدم مطلعی که اندک شناختی از مناسبات فوتبال حرفه‌ای داشت، پیش از شروع مذاکرات می‌توانست به سعادتمند گوشزد کند که بسته پیشنهادی استقلال به استراماچونی آنقدر هیجان انگیز نیست که این مربی را به بازگشت ترغیب کند و این ریسک بزرگ سرانجام خوشی نخواهد داشت اما اطلاعات غلطی که به او داده بودند، مسیر مذاکرات را به ناکجاآباد برد. عملیات‌های هشتگی به جای آنکه دل مربی ایتالیایی را نرم کند، کارکردی معکوس پیدا کرد و استراماچونی رقمی به مراتب بالاتر از آنچه در تابستان ۹۸ امضا کرده بود، پیشنهاد داد. به یکباره محاسبات به هم ریخت. همه پیش‌فرض‌ها نادرست از آب درآمد و باشگاهی که تا چند روز دیگر باید طلب هنگفت مربی اسبق خود را پرداخت کند، در چم و خم مذاکرات متوقف شد.

در چنین شرایطی، هوشمندانه‌ترین تصمیم آن بود که همه تقصیرها متوجه وزارت ورزش و سازمان لیگ شود که باشگاه‌ها را از جذب مربی خارج منع کرده‌اند اما طولی نکشید که افشاکری‌های استراماچونی، این گزاره را هم بی‌اعتبار کرد. فراتر از مصوبه سازمان لیگ، مذاکرات استقلال و استراماچونی از لحاظ مالی به بن بست خورده بود و سطح پیشنهادهای طرفین، تحت هیچ شرایطی به هم نزدیک نمی‌شد.

آخرین تلاش سعادتمند برای بقا، مطرح کردن نام الکس نوری به عنوان گزینه مربیگری آبی‌ها بود. تلاشی که اثبات بی‌فایده بودنش تنها چند ساعت به طول انجامید تا استقلال پیش از شروع لیگ بیستم و در پایان یک فصل پرحاشیه و سرسام آور، با عصر خوش خیالی وداع کند.



علی مغانی

Ali Moghani

ورزش، صنعت یا تجارت، تفاوتی نمی‌کند. رفتار عمومی مدیران موفق معمولاً با نسبت مشخصی از «دوراندیشی» و «سیاست‌ورزی» همراه است. مهم نیست که مدیریت را به شکل آکادمیک آموخته باشی یا در گذر زمان، از دانشگاه آمده باشی یا اصول مدیریت را تجربی آموخته باشی. الفبای مدیریت به ما می‌گوید: «همه تخم مرغ‌ها را در یک سبد نگذار».

این بزرگترین اشتباه احمد سعادتمند در دوران مدیریت کوتاه مدتش در استقلال بود. او همه تخم‌مرغ‌های مدیریتی‌اش را در سبد استراماچونی گذاشت. از همان روزهای ابتدایی شهریورماه که سعادتمند راهی ایتالیا شد تا پروژه «بازگشت استرا» را محقق کند و تبدیل به «مدیر محبوب هواداران» شود، مشخص بود او قدم در راهی بدون برگشت گذاشته و در جاده یکطرفه‌ای که تخت گاز در آن می‌راند، هیچ دور برگردانی وجود ندارد.

سعادتمند در همان روزهایی که استقلال اسیر حاشیه‌های سفر مدیرعامل به ایتالیا شده بود، همچنان به ادامه راهی که آغاز کرده بود اصرار داشت. استقلال جام حذفی را از دست داد، پنجره‌های نقل و انتقالاتی‌اش بسته شد، با مربی موقت به لیگ قهرمانان آسیا رفت و ناکام شد اما هیچ‌کدام از اینها در «شهریور پرحادثه آبی‌ها» برای مدیرعامل اهمیت نداشت. او بی‌آنکه با رسانه‌ها رودررو شود، در صفحه شخصی‌اش پست انگیزشی می‌گذاشت و امیدوار بود مربی ایتالیایی از توفان‌های هشتگی سر ذوق می‌آید و برای بازگشت به ایران «معرفت» به خرج می‌دهد.

واکاوای آنچه سعادتمند را در مذاکره با استراماچونی و

اتهاماتی که نباید فراموش شوند

## استقلال در بحران: هیأت مدیره یا منتقد؟

مرکزی که باعث وهن باشگاه استقلال شد.»

این نکاتی که هیأت مدیره درباره رفتارهای مالی و تصمیمات تعهدآور مدیرعامل باشگاه مطرح می‌کند، هم برای مدیرعامل و هم برای هیأت مدیره مسئولیت‌آور است. مسئولیت این وقایع را باید به پای هیأت مدیره نیز نوشت تا بعد از این اعضای هیأت مدیره باشگاه این تصور را نداشته باشند که نه در تصمیمات نقشی دارند و نه مسئولیتی بر عهده‌شان است. مسئولیت هیأت مدیره باشگاه فقط صدور بیانیه و طرح نقد و اتهام نیست، بلکه هیأت مدیره نیز مثل مدیرعامل در مقابل وقایع و تصمیمات مسئول است.

هیأت مدیره استقلال که در جریان روند تمام این سوءرفتارهای مالی و آسیب‌رساندن به وجهه و اعتبار برند استقلال و ایجاد مشکلات اقتصادی بیشتر بود، چرا در پایان ماجرای تلخ برای این باشگاه با یک بیانیه خود را در موضع منتقد جا می‌زند؟

اعضای هیأت مدیره باشگاه استقلال را برای نقد باشگاه استقلال انتصاب نکرده‌اند. هیچ‌کدام از این اعضا نیز مثل مدیرعامل منتخب، برای نقد باشگاه‌داری چهره‌های شایسته و صاحب تجربه‌ای نیستند و در مدیریت ورزش زیسته و اعتباری ندارند. بنابراین نقد را به دیگران واگذارند و خود به مسئولیت خود برگردند و در مقام پاسخگو ظاهر شوند، نه در مقام منتقد.

آنچه هیأت مدیره استقلال به عنوان نتیجه تحقیقات و بررسی‌هایش درباره مدیریت احمد سعادتمند اعلام می‌کند، حرف تازه و ناگفته‌ای نیست. از مدت‌ها پیش تمام زوایای این سناریو روشن بود و عاقبتش نیز پیدا و آشکار. هیأت مدیره باشگاه استقلال بسیار دیرهنگام درباره مدیرعامل باشگاه به این نتایج رسیده است.

در واقع این بیانیه هیأت مدیره استقلال نه نشانه تسلط و واکنش به موقع اعضای هیأت مدیره، بلکه نشانه منفعل بودن در مقابل بدترین اتفاقات در باشگاه استقلال است.

پرسش مهم درباره آینده استقلال این است که آیا این هیأت مدیره توان و مهارت و استقلال برای انتخاب مدیرعامل با کیفیتی بالاتر و با تشخیص درست را دارد؟



فرشاد کاس‌نژاد

Farshad Casnejad

هیأت مدیره باشگاه استقلال در بیانیه‌ای که پس از حکم اخراج احمد سعادتمند منتشر کرد، باید خود نیز همراه مدیرعامل منتخیش درباره تمام آنچه به مدیرعامل باشگاه نسبت داده، پاسخگو باشد. یا هیأت مدیره مسئولیتی در انتخاب او داشته، یا مسئولیتی نداشته که در هر دو صورت باید درباره مسئولیت یا بی‌مسئولیتی خود پاسخ دهد.

در بیانیه هیأت مدیره باشگاه استقلال فقط انتقاداتی درباره سعادتمند مطرح نیست، بلکه اتهاماتی نیز مطرح شده است. این اتهامات برای استقلال هزینه داشته و هیأت مدیره و مدیرعامل باید درباره این آسیب‌های مالی که به باشگاه وارد کرده‌اند و هیأت مدیره آنها را نه به عنوان انتقاد، بلکه به شکل اتهام مالی علیه مدیرعامل مطرح کرده است، توضیح بدهند. این کمترین خواسته درباره یک پروژه مخرب در باشگاه استقلال است.

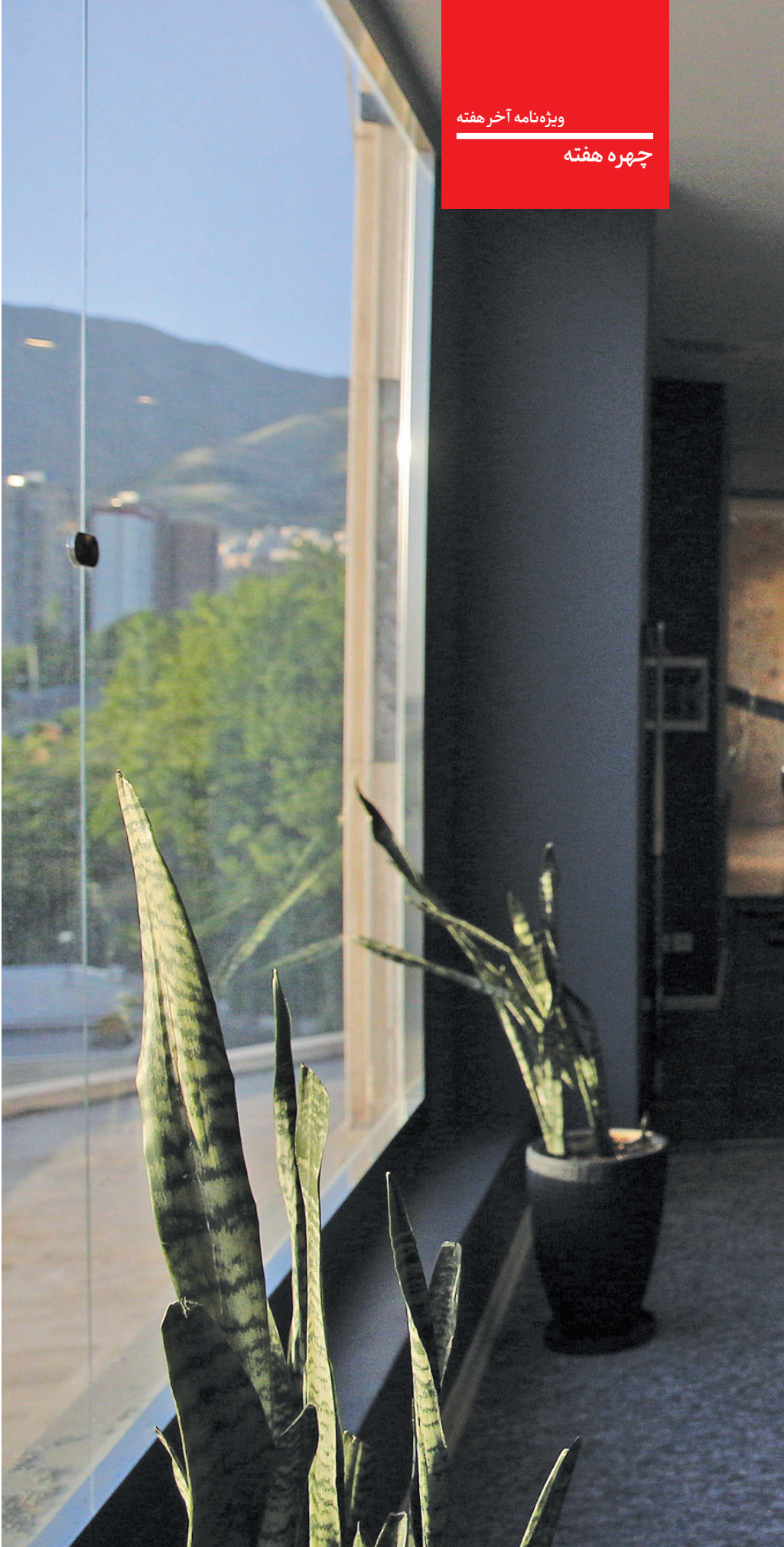
در بندهای ۲، ۳، ۴ و ۵ از این بیانیه اتهاماتی نهفته شده‌اند که نباید فراموش شوند:

«۲- اهمال آقای سعادتمند در پرداخت طلب آقای وینفرد شفر که باعث بسته شدن پنجره نقل و انتقالات و در نتیجه محرومیت تیم از حضور بازیکنان جدید در لیگ قهرمانان آسیا شد.

۳- رفتارهای خلاف شأن باشگاه در نقل و انتقالات و حضور سؤال‌برانگیز در یک هتل به جای ساختمان باشگاه، همچنین همراهی شائبه‌برانگیز برخی افراد در اتاق مذاکره که باعث ورود نهادهای نظارتی به موضوع نقل و انتقالات باشگاه استقلال شد.

۴- قراردادهای اقتصادی بی‌نتیجه و بدون تأمین نظر هیأت مدیره که باعث بروز مشکلات مالی برای استقلال شد.

۵- خروج ارز از کشور بدون مجوز هیأت مدیره و بانک



نهایت حاضر شد برای آخرین بار روی نیمکت بنشیند. تیمی که در مشهد به زمین رفت شباهتی به استقلال هماهنگ آن روزها نداشت و نشانه‌های این اختلافات و حاشیه‌ها کاملاً در نمایش تیم آشکار بود. استقلال این بازی حساس را باخت تا فرهاد مجیدی بدون قهرمانی از استقلال کنار برود، ولی از همان زمان مشخص بود که بازنده اصلی این بازی سعادتمند خواهد بود.

او وعده بازگرداندن استراماچونی را داده بود و با کنار رفتن مجیدی حالا همه انتظار بازگشت منجی ایتالیایی را داشتند. سعادتمند برای چند روز توانست با وعده و وعید زمان بخرد. او مدعی بود که با استراماچونی به توافق رسیده و تنها قانون ممنوعیت ورود خارجی‌ها مانع بازگشت اوست، ولی پست مربی ایتالیایی که تأکید کرد هیچ پیشنهادی برای او نرسیده، موضع سعادتمند را سست‌تر کرد.

این اتفاقات در روزهایی رخ داد که استقلال با مربی موقت به لیگ قهرمانان آسیا رفته بود و همان زمان شنیده می‌شد که بلافاصله پس از بازگشت تیم سعادتمند هم برکنار خواهد شد. آخرین تلاش او برای حفظ این صندلی جذاب ویدیویی بود که در بازگشت از قطر منتشر کرد و ضمن تکرار ادعای

مذاکره با استراماچونی این بار تلاش کرد بازیکنان را مقصر شکست مقابل پاختاکور بنامد. با این حال این تلاش بی‌نتیجه بود و هیأت‌مدیره تصمیم گرفت او را برکنار کند. در فوتبال ایران معمولاً برکناری‌ها بی‌سر و صداست و برای حفظ وجهه مدیران معمولاً از آنها می‌خواهند که خودشان استعفا بدهند، ولی بیانیه هشت ماده‌ای که هیأت مدیره پس از اخراج سعادتمند منتشر کرد، نشان از عمق فاجعه مدیریت او می‌دهد. استقلال پس از چند فصل پرتلاطم تنها با آرامش و ثبات می‌تواند فاصله‌اش را با رقبای داخلی و آسیایی کمتر کند، ولی سعادتمند از جنس مدیرانی بود که با تصمیمات جنجالی تمایل دارند خودشان در قانون توجه باشند. او در این شش ماه به اصطلاح بمب‌هایی هم منفجر کرد، ولی بیشتر آنها درون باشگاه ترکید و به استقلال آسیب زد. بدون جنجال بازگرداندن استراماچونی، استقلال می‌توانست قهرمان جام حذفی شود و شاید در لیگ قهرمانان هم به نتایج بهتری می‌رسید، ولی حالا مدیرعامل جدید تیمی را تحویل می‌گیرد که سرمربی ندارد و با پنجره بسته هنوز نمی‌داند که در لیگ بیستم باید با چه بازیکنانی به زمین برود.